

بررسی تحلیلی حدود و ثغور لایحه‌ی عفاف و حجاب در پرتو چالش چهارشنبه‌های سفید

مهدی احمدی^۱، فاطمه محمدی^۲

^۱ عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

^۲ دانشجوی دکترا تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی تحلیلی لایحه‌ی عفاف و حجاب در پرتو چالش چهارشنبه‌های سفید می‌باشد. روش تحقیق پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی انجام شده است. چهارشنبه‌های سفید کارزاری اجتماعی با هدف مبارزه با حجاب اجباری در جمهوری اسلامی است که با آوردن اعتراضات به متن جامعه و خیابان پایه‌گذاری شد. برخی از رفتارهای نابهنجار در سطح اجتماع، ارتباط تنگاتنگی با عفت عمومی، امنیت، سلامت اخلاقی و نظم جامعه دارند که عدم رعایت حجاب شرعی در جامعه یکی از مهم‌ترین این رفتارهاست. قانونگذار با درک آثار منفی عدم رعایت حجاب شرعی و ضرورت رعایت آن عدم رعایت این قاعده اسلامی را در معابر و انظار عمومی جرم شناخته و برای آن مجازات مقرر فرموده است و وفق تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفته است و با ایجاد لایحه عفاف و حجاب درصدد کاهش آثار جرم و جرائم مرتبط با این موضوع است تا بتواند با کنترل این رفتار از به هم خوردن نظم و امنیت عمومی جلوگیری کرده و به مراتب خواستار پیروی از لایحه و قوانین مرتبط با پدیده بی‌حجابی و بدحجابی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: لایحه، عفاف و حجاب، چهارشنبه‌های سفید، کارزار اجتماعی، انحرافات اجتماعی

مقدمه

سابقه توجه حکومت به پوشش و لباس مردم در ایران به حکومت رضا شاه پهلوی برمی‌گردد در این دوره دو مصوبه و یک فرمان صادر شد به نحوه پوشش زنان و مردان اشاره داشت و ضمانت اجرای کیفری به منظور اعطای قدرت اجرایی برای آن در نظر گرفته شد توجه مقنن نیز به حجاب و پوشش افراد به ویژه زنان بعد از انقلاب اسلامی به گونه‌ای دیگر رنگ گرفت. در همین راستا متن لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی منتشر شد که در این لایحه ۷۰ ماده‌ای وظایف دستگاه‌های مختلف برای ترویج عفاف و حجاب مشخص شده است همچنین ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۶۸/۰۳/۲۰ همچنین بخشنامه‌هایی که در این راستا صادر شد همگی در جهت کنترل پوشش افراد در جامعه است. هر جامعه به طور متوسط، از میزانی از تخلف، با نگاه به سطح انتظار، در همه عرصه‌های رفتاری پوشش، چشم پوشی از آن را تحمل می‌کند یا واکنش به آن را بنا به ملاحظاتی به تاخیر می‌اندازد. پیوستگی به هنجارها و ارزش‌های جمعی اجباری نیست، بلکه موجب ایجاد محدودیت در مسیر انتخاب اعضای اجتماع خواهد شد. الگوی پوشش لباس در هر جامعه، بیش از هر چیز از ساختار ارزش‌ها، هنجارها اثر می‌پذیرد. لباس، نشان دهنده ناخودآگاه فرهنگی جامعه است. به دلیل الزامات ارزشی جامعه پوشش اجباری است و افراد در هر شرایطی باید از آن برخوردار باشند. رعایت این حداقل، نیازمند مشارکت است و رعایت نکردن آن، به عنوان تخلف اجتماعی، تلقی خواهد شد. درجه این حاسیت را میزان واکنش جامعه تعیین میکند.

به طور کلی یک سلسله رفتارهایی وجود دارد که انتظار داریم افراد در جامعه بزرگتر، خود را با آن هنجارها تطبیق بدهند. تعریف الگوها، یکسان‌سازی معیارهای خوبی و بدی، وحدت نظر دو مرکز مهم، خانه و مدرسه می‌تواند مشکل تضادهای اجتماعی را به حداقل کاهش دهد.

حدود و ثغور جرم انگاشتن بی‌حجابی و بدحجابی

پاسخ‌های مختلف و گوناگونی به پرسش دلیل جرم انگاشتن داده شده است. یکی از جواب‌های مشهور این است که امور خلاف دین و اخلاق متعارف، قابل پیگیری و مجازاتند. اگرچه از نظر تحلیلی یک رابطه‌ی ضروری میان حقوق و اخلاق وجود ندارد، ولی در واقعیت بیرونی حقوق، مذهب و اخلاق نمی‌توانند بدون یک دیگر وجود یافته و به بقای خود ادامه دهند. در هر جامعه با فرهنگ و متمدنی مجموعه قوانینی حاکم است که به تناسب باورها و عقاید افراد جامعه، بستند وضع آن قوانین است؛ اگر پذیرفته شود که اصل بر آزادی انسان‌ها است، اعمال محدودیت (از طریق حقوق کیفری) استثناء محسوب می‌گردد. بدین ترتیب، در هنگام مداخله حقوق کیفری همیشه فرضی به سود آزادی در میان است. بنابراین می‌توان گفت که حدود جرم انگاری یا میزان مداخله حقوق کیفری در فضای آزاد رفتاری شهروندان از طریق متوسل شدن به حقوق کیفری پیرو نوعی از سیاست جنایی هر کشور است. در واقع جرم انگاری فرایندی است که برخی اعمال و رفتارها از منطقه آزاد رفتاری شهروندان خارج و به محدوده‌ی قلمرو ممنوعه‌ی رفتاری راه می‌یابند، محدوده ممنوعه‌ی آن که هرگونه تجاوز به مرزهای آن با نتیجه‌ی قهرآمیز (کیفر) یا اقدامات تأمینی روبه رو می‌شود. نگاهی اجمالی به تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که جوامع در زمان‌ها و

مکان‌های گوناگون برای حکایت از ارزش‌های حاکم و مورد قبول خود بیش از هر چیز به حقوق کیفری توسل جسته اند، یکی از مصادیقی که به خصوص بعد از انقلاب اسلامی ایران موضوع جرم انگاری واقع شده مسئله‌ی رعایت پوشش دینی است.

هنجار شکنی در مسئله‌ی پوشش متعارف جامعه

در جامعه اسلامی «پوشش» یک هنجار ارزشی و رعایت آن یکی از واجبات دین و از حقوق انکارناپذیر جامعه است. مقنن نیز با درک نتایج منفی «عدم رعایت پوشش اسلامی» عدم رعایت آن را در دیدگان عمومی جرم دانسته و برای آن کیفر مقرر کرده است (تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا). امروزه لباس در بین افراد جامعه نوعی اعتبار اجتماعی محسوب می‌گردد و در جهات منفی ایجاد فخر فروشی و چشم و هم چشمی می‌کند. الگوهای مختلف پوشش ضمن ایجاد اعتبار فردی می‌توانند بیانگر ارزش‌ها و هنجارها و نوع فرهنگ حاکم بر کشورها باشند. مهم تر اینکه لباس، امروزه نماد فرهنگی ملل و جزعی از شاکله‌ی آن محسوب می‌شود تا جایی که با هنجارهای حاکم بر ملت‌ها آمیخته و به عنوان یکی از ابزار مهم ایجاد تحول در ساختار فرهنگی یک کشور به کار گرفته می‌شود.^۱

پیشگیری از جرم بی‌حجابی و بدحجابی در ایران

با توجه به اینکه در سال‌های پیشین، اجرای طرح‌های سختگیرانه‌ی توسط نیروی انتظامی تحت عناوینی چون «حجاب و عفاف» «ارتقا امنیت اجتماعی» و «گشت ارشاد» بازخوردهای اجتماعی منفی فراوانی داشته و در محافل علمی و سیاسی چالش برانگیز شده است، ضرورت دارد که برای نتیجه‌گیری از بحث‌های مطرح شده توسط صاحب نظران و تبیین حدود اختیارات نیروی انتظامی در مورد رعایت حجاب، پژوهش علمی و بی‌طرفانه‌ی صورت پذیرد. گزینش برخورد کیفری با آن قسمت از پدیده‌ی مزبور که فقط انحراف اجتماعی محسوب می‌شود نه تنها از لحاظ بازدارندگی افراد، سودمند نیست بلکه ضمن ضربه زدن به اصل حاکمیت قانون و نظارت عالی قوه قضائیه، موجب دین‌گریزی و ایجاد احساسات منفی نسبت به دستگاه قضایی و انتظامی شده و نهایتاً به علت ترویج نگاه منفی نسبت به موضوع رعایت پوشش آثار نا مطلوب فراوان در پی خواهد داشت.

رویکرد کیفر زدایی در برخی مقولات فردی یا اجتماعی قابل اصلاح است، ولی برخی شواهد حاکی از ضرورت توسعه‌ی حقوقی برای انسجام در هماهنگی‌های مرتبط با پوشش است.^۲

حرمت شرعی و نسبت آن با قانونی بودن جرایم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با سیستم قانون‌گذاری و لزوم رعایت مقررات اسلامی، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات با مفهوم حقوقی آن مورد بحث و مناقشه قرار گرفت. یک نظریه‌ی با استناد به اینکه احکام اسلام با مزول قرآن و بیان احکام توسط پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) ابلاغ شده است، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات را منتفی دانسته، معتقد است که چون اعمال حرام توسط شارع اسلام تعیین و ابلاغ شده است، با تشکیل جمهوری اسلامی لزومی ندارد که مجازات

۱. آخوندی، ۱۳۹۷، ص ۵۷

۲. زهری، ۱۳۹۹، مقاله مرز اخلاق و حقوق؛ نقدی بر نظریه نفی ورود حقوق به گستره‌ی حجاب، مطالعه‌ی تطبیقی اسلام، ایران و اروپا

اعمال خلاف شرع را به مصوبات مجلس قانون‌گذاری مستند کرد؛ اما قانون اساسی با پذیرش نظریه‌ی مخالف، اصل قانونی بودن و نتایج آن را در اصول مختلف پیش‌بینی کرد. بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند با استناد به اصل قانونی بودن جرم، دادگاه‌ها فقط در صورتی می‌توانند رفتاری را جرم بدانند که اولاً صراحتاً قوه مقننه رفتار مذکور آن را جرم شناخته باشد و ثانیاً مجازات آن نیز مشخص باشد.^۳

تلقی حجاب به عنوان یک امر تحمیلی و الزامی

نظریه کنترل اجتماعی

جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که مردم از قوانین و هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کنند مگر اینکه تحت تاثیر معاشرت قرار گرفتن در محیط نامناسب یا حتی تحت تاثیر نظارت اجتماعی، کج رفتار شوند، اما دیدگاه کنترل اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار یا نابهنجار بودن هستند نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد باید داشته باشد رفتار بهنجار یا نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. ناهم‌نوایی و کجروی اجتماعی نتیجه کمبود یا فقدان کنترل اجتماعی اعم از رسمی (قضات، ضابطین قضایی، پلیس، زندان و...) و غیر رسمی (خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و...) می‌باشد. کنترل اجتماعی به نحو اختصار به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به هم‌نوایی و جلوگیری از ناهم‌نوایی به کار می‌برد نظریه کنترل از نظریه‌های مطرح در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی محسوب می‌شود. نظریه کنترل در تحلیل و تبیین کج رفتاری‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته از نظریه‌های با نفوذ حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی و جرم بوده است فرضیه اصلی این نظریه ارضا نشدنی بودن ماهیت انسان است. همچنان که فروید گفته: «افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند، و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می‌کنند.»^۴ در این نظریه بیان گردیده است که کج رفتاری اشخاص بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد محصول عدم ممانعت است. این درست نقطه مقابل فرض نظریه یادگیری است که کج رفتاری را ناشی از شرایط اجتماعی خاص (شکاف اهداف و ابزار مقبول اجتماعی و تجربه یادگیری از دیگران) می‌دانند. نظریه یادگیری مستقیماً می‌پرسد علت کج رفتاری چیست اما نظریه کنترل مستقیماً می‌پرسد علت هم‌نوایی چیست زیرا آنچه موجب کج رفتاری است فقدان همان چیزی است که باعث هم‌نوایی می‌شود، پاسخی که به این سوال مهم داده شده این است که آنچه موجب هم‌نوایی است، اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است که جلوه کج رفتاری را می‌گیرد بنابراین فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کج رفتاری است.^۵

^۳ اصل ۱۶۷ قانون اساسی: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منبع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد

^۴ ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران شرکت سهامی، انتشار ۱۳۸۱ ص ۵۰

^۵ جرج ولد، برنارد توماس، همان، ص ۹۰

عنصر قانونی عدم رعایت پوشش شرعی

مقنن بعد از انقلاب اسلامی به جهت اهمیت فوق العاده‌ای که برای پوشش شرعی در سطح جامعه داشته در موارد متعددی عدم رعایت پوشش شرعی را به عنوان جرم یا تخلف بیان و برای آن ضمانت اجرا مقرر نموده است

۱. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۸/۵/۱۳۷۰)
۲. بند ۲۰ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۷/۹/۱۳۷۲)
۳. بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازداری نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت (مصوب ۵/۷/۱۳۶۰)
۴. بند ۱۲ ماده ۷ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقات کشور (مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۶۴)
۵. بند ۸ ماده ۶۷ و ۶۸ آیین نامه اجرایی مدارس (مصوب ۵۲/۱۳۷۹)
۶. ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۶۵)
۷. ماده ۲ آیین نامه اجرایی بازی‌های همبستگی بانوان کشورهای اسلامی

لایحه عفاف و حجاب (مصوبه کمیسیون قضایی مجلس و ارسال شده به شورای نگهبان)

نهایتاً لایحه‌ای مربوط به حجاب اولین بار از سوی قوه قضاییه تهیه و پس از تصویب در هیئت دولت در خرداد ماه سال جاری (۱۴۰۲) به نام (لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب) برای طی کردن تشریفات بعدی به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. ارسال این لایحه به مجلس شورای اسلامی در شرایطی صورت گرفت که گزارش‌ها از شهرهای کوچک و بزرگ در ایران، حاکی از حضور پر تعداد زنان بدون حجاب اجباری در اماکن عمومی و مناطق پر تردد شهری بود. منتفی شدن برخورد فیزیکی با زنان بی‌حجاب از سوی افراد موسوم به «آمران به معروف و ناهیان از منکر» در این لایحه، تغییری در زمینه‌ی برخورد با بی‌حجابی در ایران است؛ با وجود این پس از اعتراضاتی که از سوی گروه‌های حامی حجاب صورت گرفت و این لایحه را سهل گیرانه و ناکافی دانستند دولت تغییراتی در آن ایجاد کرد. رسانه‌ها در ایران روز چهارشنبه سوم خرداد، متن کامل این لایحه ارسالی دولت به مجلس شورای اسلامی را منتشر کردند. در این متن از عدم رعایت حجاب اجباری با عنوان «برهنگی» نام برده شده است. نسخه دوم لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب در ۱۴۰۲/۳/۹ به مجلس شورای اسلامی ارسال و جایگزین نسخه اولیه لایحه شد. همچنین این کمیسیون حقوقی مجلس تغییرات بسیار زیادی در این لایحه ایجاد کرد به نحوی که متن آن را از ۱۵ ماده به ۷۰ ماده افزایش داد. در این مصوبه برای اولین بار ضوابط لباس مردانه نیز تعیین و مجازات‌ها و جریمه‌های متعددی برای متخلفین تعیین گردید. کمیسیون همچنین نام لایحه را به لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب تغییر داد.

مجازات بی‌حجابی در لایحه عفاف و حجاب

مجازات بی‌حجابی در این لایحه ابتدا متمرکز بر استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی به صورت هوشمند است و در نهایت برخورد سخت را پیش بینی کرده است. علاوه بر این، دامنه‌ی مجازات برای جرایم جدید گسترش پیدا خواهد کرد و برای

نخستین بار مسئولان واحدهای خدماتی، تفریحی و رفاهی چون رستوران‌ها مراکز خرید، پاساژها، سینماها، سالن‌های ورزشی، گالری‌های هنری، مغازه‌ها را در تحمل کیفر بی‌حجابی یا بدحجابی مشتری‌ها و دریافت کنندگان خدمات شریک می‌کند. در این لایحه برای چهره‌های سرشناس فرهنگی، ورزشی و سیاسی که با حجاب اجباری مخالفت کنند، جریمه‌هایی مانند محرومیت از فعالیت حرفه‌ای و فعالیت در فضای مجازی تعیین شده است.

جریمه کشف حجاب در لایحه عفاف و حجاب

در این لایحه جریمه بی‌حجابی در صورتی برای شخص اعمال می‌شود که ابتدا از طریق چهره‌نگاری، به صورت رایانه‌ای، شناسایی و برای وی پیامک ارسال شود. در صورتی که بعد از ارسال پیامک در دفعات دوم و سوم عمل شخص تکرار شود جریمه صادر خواهد شد. بنابراین مجازات اشخاص و دریافت جریمه منوط به آن است که شخص برای یک بار پیامک رعایت حجاب با استفاده از فناوری‌های نوین مانند چهره‌نگاری دریافت کرده باشد. این جریمه در دفعه دوم، با توجه به آخرین به روز رسانی مبالغ ریالی مجازات‌ها، یک ششم حداکثر مجازات نقدی درجه ۸ (۵۰۰ هزار تومان) و در دفعه سوم یک سوم جزای نقدی درجه ۸ (یک میلیون) است و در دفعه چهارم، یک دوم حداکثر جزای نقدی درجه ۸ (یک میلیون و پانصد هزار تومان) است. در لایحه دولت، جریمه‌ها از مبالغ مندرج در لایحه قوه قضائیه بیشتر شده است و برای بار چهارم نیز علاوه بر مجازات کیفری، جریمه انتظامی پیش‌بینی شده است؛ در حالی که در لایحه قوه قضائیه، برای بار چهارم جریمه انتظامی در نظر گرفته نشده است. مجازات‌های انتظامی نقدی مندرج در بند فوق بدون رسیدگی قضائی و از طریق سامانه‌های هوشمند مانند چهره‌نگاری صادر می‌شود. البته با توجه به خطاپذیری سامانه‌های مزبور، امکان اعتراض به پیامک ارسالی و جریمه‌ها وجود دارد. گرچه دولت جریمه‌های مندرج در لایحه قوه قضائیه را افزایش داده است، اما اساساً بعید است که نوبت به اخذ جریمه‌های موضوع این لایحه قانونی برسد؛ چراکه اخذ جریمه منوط به آن است که ابتدا تذکر پیامکی به عمل آید که با توجه به پیچیدگی‌های فنی و هزینه بالای مالی، غیرممکن به نظر می‌رسد. در صورت تکرار بی‌حجابی بعد از این سه بار (یک بار ارسال پیامک و دو بار جریمه ۵۰۰ هزار و یک میلیون تومانی) در بار چهارم، شخص مرتکب علاوه بر جریمه یک میلیون و پانصد هزار تومانی، به مراجع قضائی معرفی می‌شود تا جزای نقدی درجه ۷ (از سه میلیون تومان تا حد اکثر شش میلیون تومان) اعمال شود. این مجازات نیاز به حکم دادگاه دارد و برخلاف مجازات‌های قبلی از طریق سامانه قابل اعمال نیست. مجازاتی غیر از جزای نقدی در این خصوص قابل تعیین نیست. نمایاندن قسمتی از بدن یا پوشیدن لباس نازک نیز همین جریمه را دارد؛ یعنی حداکثر جزای نقدی درجه ۷ (شش میلیون تومان) که آن هم توسط سامانه‌های انتظامی مقرر می‌شود.

در لایحه قوه قضائیه این مجازات منوط به آن شده بود که نمایاندن قسمتی از بدن یا پوشیدن لباس نازک، منجر به جریحه‌دار شدن عفت عمومی گردد؛ در غیر این صورت مجازات نداشت. ولی در لایحه دولت این قید برداشته شده است. علاوه بر این، در صورت تکرار این جرم، بعد از یک بار جریمه انتظامی ۶ میلیون تومانی، شخص برای اعمال مجازات حداکثر جزای نقدی درجه ۶ (۲۴ میلیون تومان) و محرومیت درجه ۶ از حقوق اجتماعی به قوه قضائیه معرفی می‌شود. مجازات برهنگی کامل بدن، حدکثر حبس یا جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶ است. یعنی قاضی می‌تواند برای آن شخص، دو سال حبس یا ۲۴ میلیون تومان جریمه در نظر گیرد. یکی از این دو مجازات (یا حبس یا جزای نقدی) قابل در نظر گرفتن است. در لایحه قوه قضائیه، حد اکثر مجازات در نظر نگرفته شده بود؛ بلکه دست قاضی در تعیین حداقل مجازات باز بود. اگر یکی از

کارمندان دستگاه‌های اجرایی اقدام به نقض هنجارهای اجتماعی در محل کار کند، در لایحه دولت مجازات‌های اداری و انضباطی برای آن شخص در نظر گرفته شده است که لایحه قوه قضائیه فاقد این موارد بود.

مجازات آمرین به معروف و ناهیان از منکر در لایحه عفاف و حجاب

بر اساس این لایحه، توهین، ضرب و جرح، تهدید، افترا و دخالت در حریم شخصی توسط شخصی که اقدام به امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، دارای مجازات قانونی است. البته در لایحه پیشنهادی از سوی قوه قضائیه مجازات آمرین به معروف و ناهیان از منکر تشدید شده باشد به این ترتیب که آمر به معروف و ناهی از منکر، علاوه بر مجازات مقرر در سایر مواد قانونی، به مجازات تکمیلی یا محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه نیز محکوم می‌شد. صرفاً بخش تشدید مجازات از لایحه اصلاحی از سوی دولت حذف شد. با تصویب احتمالی این لایحه، تبصره ماده ۶۳۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر متن قانونی در باب جرم‌انگاری بی‌حجابی است، به‌طور ضمنی نسخ می‌شود و جرمه‌های موضوع این قانون که معلق به تشخیص چهره رایانه‌ای است و قابل اجرا به نظر نمی‌رسند، جایگزین می‌شوند.

نیروهای میدانی برخورد با حجاب

دستگاه‌های اطلاعاتی، فرماندهی انتظامی، ستاد امر به معروف و بسیج در مورد نیروهایی که به شکل میدانی و در خیابان‌ها و اماکن عمومی و به تاکید این لایحه حتی در خودروها، اماکن تجاری، اداری شرکت‌ها با زنانی که تن به حجاب اجباری نمی‌دهند برخورد خواهد کرد، در این لایحه به ویژه از سه دستگاه اطلاعاتی، فرماندهی انتظامی، بسیج و ستاد امر به معروف و نهی از منکر نام برده شده است. در ماده ۳۰ این لایحه فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مامور شده تا در معابر، اماکن واحدهای صنفی، وسایل نقلیه و فضای مجازی با آنچه هنجار شکنی و رفتار خلاف قانون در مورد حجاب اسلامی عنوان شده برخورد کند و برای این برخوردهای از اقدام به آموزش و به کارگیری نیروهای مورد اطمینان و استفاده از مامورین و سایر اشخاص مورد وثوق خود استفاده کند. ایجاد و تقویت سامانه‌های هوشمند شناسایی مرتکبین رفتارهای خلاف قانون با استفاده از ابزارهایی از قبیل دوربین‌های ثابت و سیار و مقابله با هنجار شکنی و عادی سازی رفتارهای خلاف عفت در فضای مجازی نیز به عنوان بخش دیگری از اقدامات نیروهای انتظامی ذکر شده است.

در ماده ۲۶ نیز وزارت اطلاعات سازمان اطلاعات سپاه و سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نیروهایی تعیین شده‌اند که باید با رصد اطلاعاتی از گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی جلوگیری کند. در بخشی از این ماده عنوان شده که این سه دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی مامور برخورد با کسانی شده‌اند که در این لایحه از آنها با عنوان کسانی نام برده که اقدام به فعالیت از فضای مجازی یا غیرمجازی، ارسال فیلم، عکس، تصویر در مخالفت با حجاب می‌کنند. همچنین عنوان شده که شناسایی اشخاصی که با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا به صورت سازمان یافته در ترویج فرهنگ بی‌حجابی یا بدپوششی فعالیت می‌کنند بر عهده این سه دستگاه اطلاعاتی و امنیتی است. همچنین بر اساس ماده ۳۲ این لایحه سازمان بسیج مامور شده تا با آموزش عمومی امر به معروف و نهی از منکر لسانی به بسیجیان در فضای حقیقی و مجازی با افراد بدون حجاب برخورد کند. علاوه بر این ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز اجازه یافته تا گروه‌های مردمی در حوزه عفاف و حجاب راه اندازی کند و برای افرادی تحت عنوان مجریان فریضه امر به معروف و نهی از منکر مجوزهای لازم را صادر کند. در ماده ۳۱ این لایحه قوه قضائیه

موظف شده تا با تشکیل شعب تخصصی و رسیدگی خارج از نوبت به پرونده زنان و مردان متهم در ارتباط با حجاب و عفاف رسیدگی کند. در بخشی از این ماده تاکید شده که باید از ورود اشخاص بدون رعایت حجاب شرعی به محیط دادگاه‌ها و دادرها جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

برخورد با پدیده عدم رعایت پوشش شرعی به دو صورت فرهنگی و حقوقی از اختیارات دولت اسلامی است، ولی برخورد با شیوه فرهنگی مقدم با شیوه حقوقی و جزایی است آن هم بدین شکل که برخورد به شیوه فرهنگی به مثابه قاعده و شیوه برخورد حقوقی و قضایی به مثابه استثناء است. نظام اسلامی وظیفه دارد که ابتدا همه ظرفیت و امکانات جامعه اسلامی را در این زمینه شناسایی و با هدف گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح و حساب شده، با این پدیده اجتماعی برخوردی فرهنگی داشته باشد. به نظر می‌رسد که وضع ماده ۶۳۸ منظور اصلی قانونی بودن جرایم جرم‌ها را به خوبی تامین نمی‌کند، چرا که بر مبنای این اصل، عناوین مجرمانه باید به طور روشن در قانون کیفری پیش بینی گردند تا افراد جامعه تکلیف خود را در رعایت آنچه که نباید از آن عبور نماید، بدانند، ولی عنوان فعل حرام مفهوم بسیار گسترده و کشداری است که تکلیف شهروندان را به طور صریح و مشخص در مورد آنچه که ممنوع است، مشخص نمی‌کند. ارتکاب عمل در معابر مدخلیتی در تحقیق این جرم ندارد بلکه مهم آن است که در انظار عمومی باشد. استعمال اصطلاح بدحجابی که در مورد جرم عدم رعایت پوشش شرعی توسط زنان به کار برده می‌شود اصطلاح جامعی نیست، چرا که عدم رعایت پوشش شرعی یک امر سلبی و عدمی است، در مقابل پوشش شرعی که امری وجودی است. مبنای برخورد با پدیده بدحجابی همچنان در ابهام است، یعنی معلوم نیست که مبنای عملیات نیروی انتظامی، شرع عرف یا قانون است از این رو ضرورت دارد که نیروی انتظامی یک راهبرد حقوقی داشته باشد. نیاز به جرم شناختن این رفتار و تعیین مجازات با توجه به قاعده فقهی و حقوقی قبح عقاب بلا بیان، اصل اباحه، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، ایات قرآنی و روایات تبیین گشته است. بحث پوشش در بعد اجتماعی و نمود بیرونی آن، از جمله مواردی است که افراد حاضر در اجتماع اسلامی ملزم به رعایت محدوده‌ها و قواعد مربوط به آن هستند و این مساله از جمله اصول پذیرفته شده بین‌المللی است. تا زمانی که ارزش‌های مدرن بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی غلبه داشته باشد، نمی‌توان با مظاهر بدحجابی جز با اعمال کنترل‌های اجتماعی بیرونی و انتظامی مبارزه کرد که هزینه نهادینه سازی حجاب از طریق بهره‌گیری مکانیزم اجبار بسیار بالاست و در بلند مدت باید با مکانیزم‌های هنجاری و شناختی جایگزین شود. قانون‌گذار برای تضمین و حمایت حمایت حقوق و آزادی‌های فردی و نیز تامین نظم و امنیت عمومی و ... رفتارهای نابهنجاری را به طور مشخص جرم شناخته و برای آن مجازات معین کرده است.

منابع

- اسفندیاری، محمد، سوء تبلیغ و تبلیغ سوء، ماهنامه خرد نامه همشهری، ش ۷، ۱۳۸۵
- ایوبی، حجت الله، نگراریم مسائل اجتماعی امنیتی شود، روزنامه شرق، ش ۸۳۳، ۱۳۸۶
- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۴، ج ۲، ۱۳۹۷
- ترکمنی، حمید رضا، مقاله عوامل بدحجابی در ایران
- جرج ولد، برنارد توماس، همان، ص ۹
- زهروی، ۱۳۹۹، مقاله مرز اخلاق و حقوق؛ نقدی بر نظریه نفی ورود حقوق به گستره‌ی حجاب، مطالعه‌ی تطبیقی اسلام، ایران و اروپا
- شالچیان، عباسی، ملوک، دین و رسانه، مجله سنجش و پژوهش، سال دهم شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۲
- طباطبایی، سید علی، بدحجابی، ریشه‌ها، عملی بر ابعاد علمی و تجربی حجاب، به اهتمام محمد جواد جاوید، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران شرکت سهامی، انتشار ۱۳۸۱ ص ۵۰
- هاشمی، سید حسین و کوشا، جعفر «بررسی تعارض اصل ۱۶۷ قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها» مجله نامه مفید، ش ۲۶